

کارگران شرکت واحد، حلقه ای از زنجیر جنبش سراسری طبقه کارگر

(درباره لزوم حمایت کارگران شرکت واحد از دستگیرشدگان اول ماه مه)

جنبش اجتماعی ضد سرمایه‌داری طبقه کارگر در برگیرنده کلیه کارگرانیست که از فروش نیروی کارشان امرار معاش می‌کنند. طول و عرض این فروشندگان نیروی کار (چه یدی و چه فکری) به وسعت کلیه انسان‌هاییست که چیزی جز نیروی کارشان برای فروش ندارند، و همچنین کارگرانی را شامل می‌شود که یا از کارخانه اخراج شده‌اند و یا در صف انتظار یافتن کار می‌باشند، که خیل عظیم کارگران بی‌کار را تشکیل می‌دهند.

به بیان دیگر جنبش اجتماعی ضد سرمایه‌داری طبقه کارگر شامل کارگران شاغل اعم از کارگر صنعتی، ساختمانی، معلمان، پرستاران است که هر کدام حلقه‌ای از جنبش اجتماعی طبقه کارگر محسوب می‌شوند. زنان کارگر چه شاغل و چه خانه‌دار نیز حلقه‌ای از جنبش اجتماعی طبقه کارگر هستند، زیرا در تولید نیروی کار و کارگران نسل آینده نقش دارند. در واقع مزدی که به کارگر داده می‌شود برای امرار معاش یک خانواده‌ی کارگریست.

کارگران شرکت واحد نیز حلقه‌ای از این جنبش اجتماعی طبقه کارگر هستند که در سال ۱۳۸۴ برای ایجاد تشکل کارگری خود (سندیکا) دست به مبارزه زدند. کارگران شرکت واحد با اتکا به نیروی خود دست به ایجاد سندیکای شرکت واحد زدند. و در این رابطه مورد حمله‌ی عوامل سرمایه (خانه‌ی کارگر) قرار گرفتند که با ایستادگی کارگران شرکت واحد این دار و دسته کارچاق‌کن سرمایه با حمله به کارگران شرکت واحد ماهیت ضدکارگری خود را به نمایش گذاشتند. خانه‌ی کارگر با استفاده از امکانات مالی سرمایه و پشتیبانی استبداد سرمایه با کارد و چاقو به کارگران چند نفر از کارگران شرکت واحد از جمله منصور اسالو، رئیس هیئت مدیره‌ی سندیکای شرکت واحد، حمله و او را روانه‌ی بیمارستان کرد.

اما آنچه اهمیت داشت این بود که کارگران شرکت واحد با اتکا به نیروی خود و استناد به «حق آزادی تشکل» (طبق مقاله‌نامه‌ی ۸۷) توانستند تشکل مورد نظر خود را به وجود آورند، و دولت‌ها موظفند این تشکل‌ها را به ثبت برسانند. کارگران شرکت واحد با اتکا به نیروی خود حرف خویش را به کرسی نشاندند. تجمع کارگران در پایانه‌ی آزادی در اسفند ۱۳۸۳، روشن کردن چراغ‌های اتوبوس‌های شرکت واحد، تحصن در تعمیرگاه شماره‌ی ۱ و ... نمادی از قدرت و همبستگی کارگران شرکت واحد بود.

اما واقعیت آن است که سرمایه‌داران به آسانی حق آزادی تشکل را نمی‌پذیرند، و با هزار دسیسه و نیرنگ و حمله به کارگران به مقابله با خواست ایجاد تشکل کارگری می‌پردازند. و از هیچ عمل ضد کارگری ابا ندارند، و نمونه‌ی بارز این مدعا، حمله‌ی ددمنشانه به کارگران شرکت واحد است. اما، همان‌طور که اشاره شد، با فشاری کارگران با اتکا به نیروی خود بر روی مطالبات خود عوامل سرمایه را به عقب‌نشینی واداشت و اکنون سندیکای شرکت واحد به عنوان یک تشکل کارگری موجودیت یافته است. اما این پایان ماجرا نبوده و نخواهد بود. عوامل سرمایه با وعده و وعید و امروز و فردا کردن و هزار اما و اگر، ونشست‌های بی‌حاصل برآند که بین کارگران شرکت واحد تفرقه ایجاد کنند. نیروی متحد کارگران شرکت واحد را با عملیات فرسایشی تضعیف کنند. سرمایه‌داری ایران برای بهره‌مندی از نیروی کار ارزان به تشکل در چارچوب سرمایه (نه علیه سرمایه) و گوش به فرمان نیاز دارد. و طبقه‌ی کارگر ایران نیز برای رسیدن به مطالبات خود راهی جز مبارزه با سرمایه ندارد، همان‌طور که به درستی در گزارش هیئت مدیره‌ی سندیکای شرکت واحد آمده است. "در حالی که قرار بود کلیه کارگران اخراجی به سر کار بازگردند، از ورود ۷ نفر از کارگران شرکت واحد به سر کار جلوگیری می‌کنند. «حق السعی» تعدادی از کارگران و ده‌ها مطالبات دیگر کارگری که وعده عملی شدن آن‌ها را داده بودند، نمی‌پردازند. از دادن مطالبات کارگران خودداری می‌کنند. از سوی دیگر، مدیران شرکت واحد با مسئولان اداره‌ی کار استان تهران و شوراهای اسلامی کار (کارفرمایی) در یکی از هتل‌های گران‌قیمت اوشان فشم به مهمانی و سورچرانی می‌روند و تصمیمات ضد کارگری می‌گیرند... " (نقل از گزارش هیئت مدیره‌ی سندیکای شرکت واحد).

سرمایه‌داری ایران تا آنجایی که بتواند از ایجاد تشکل‌های کارگری جلوگیری می‌کند، همان‌طور که سال‌هاست از اجرای مقاله‌نامه‌ی ۸۷ سر باز زده است، که بدون رقیب سرمایه‌داری جهانی با کمک از استبداد سرمایه بیشترین ارزش اضافی حاصل از نیروی کار ارزان را انباشت کند. اما از سویی دیگر برای مقبول واقع شدن در نزد سازمان جهانی کار (دلال جهان سرمایه) و مقابله با جنبش اجتماعی ضد سرمایه‌داری طبقه کارگر بر آن است که تشکلی گوش به فرمان و دست‌آموز به وجود آورد.

نشست‌های مسئولین اداره‌ی کار و شوراهای کار نیز می‌توانند در این رابطه باشد که در گزارش هیئت مدیره‌ی شرکت واحد... به آن اشاره شده است.

ولی مبارزه‌ی کارگران شرکت واحد فقط در همبستگی با دیگر کارگران می‌تواند طرح و برنامه‌های سرمایه‌داران را نقش بر آب کند. همان‌طور که مبارزه‌ی کارگران شرکت واحد برای ایجاد سندیکا به بار نشست. اما بی‌شک سرمایه‌داران نیز بیکار نخواهند نشست و با ایجاد تفرقه در میان کارگران شرکت واحد بر آن می‌شوند تا تشکلی را که برای مطالبات کارگران واحد مبارزه می‌کند به تشکلی تهی از محتوای خواست‌های کارگری و مطیع سرمایه تبدیل کنند. اما همبستگی کارگران شرکت واحد و حمایت دیگر کارگران می‌تواند توطئه‌های سرمایه‌داران را خنثی کند.

به نظر من، کارگران شرکت واحد، همان‌طور که در بالا به آن اشاره شد، حلقه‌ای از جنبش اجتماعی ضد سرمایه‌داری طبقه‌ی کارگر هستند که برای مطالبات اقتصادی-سیاسی خود مبارزه می‌کنند. هر چند هر واحد تولیدی خواست‌های خاص خود را دارد که متمایز از خواست دیگر کارگران است، اما یکسری خواست‌ها و مطالبات کارگری هستند که مطالبات مشترک جنبش اجتماعی طبقه‌ی کارگر ایران و در بسیاری موارد خواست‌های کارگران جهان است، مثلاً پایین بودن دستمزد، قراردادهای موقت، اضافه‌کاری اجباری، تامین امنیت شغلی کارگران و ایجاد تشکل‌های کارگری. جنبش اجتماعی طبقه‌ی کارگر ایران برای رسیدن به این خواست‌ها به مبارزه و همبستگی و حمایت کارگران از همدیگر نیاز دارد. ولی در اطلاعیه‌ی سندیکای کارگران شرکت واحد کمتر دیده شده است که از مطالبات دیگر کارگران حمایت شود. در همین سال جاری، بارها کارخانه‌ها، معلمان و دیگر کارگران مزدبگیر دست به اعتصاب، راهپیمایی و دیگر اشکال مبارزه زدند. نمونه‌ی اخیر آن اعتصاب کارگران شاهی و نساجی کردستان بود که حدود دو ماه در اعتصاب بودند. اما سندیکای شرکت واحد نه در جلسات هفتگی خود به طور جدی به مبارزه‌ی کارگران نساجی کردستان پرداخت، و نه در این مورد اطلاعیه‌ای منتشر کرد. این سندیکا، برخلاف آنچه که از یک تشکل کارگری انتظار می‌رود، نسبت به مبارزات کارگری بسیار کم توجه بوده است.

در حالی که پشتیبانی از اعتصاب کارگران نساجی کردستان خود نوعی حمایت از مبارزه‌ی کارگران شرکت واحد است، و به نوعی همان مبارزه‌ی کارگران شرکت واحد برای بازگشت به کار کارگران اراچی است. و یا مگر مبارزه برای لغو احکام زندان برای فعالین کارگری دستگیر شده در شهر سقز، که برای برپایی مراسم اول ماه مه جمعاً به ۱۳ سال زندان و سه سال تبعید محکوم شده‌اند، چیزی جدا از مبارزه‌ی کارگران برای مطالبات کارگری است، و به نوعی محکوم کردن حمله به کارگران شرکت واحد نیست؟ برپایی مراسم روز اول ماه مه خون‌بهای مبارزه‌ی کارگران جهان است. و طبقه‌ی کارگر این روز را به عنوان روز کارگر به بورژوازی تحمیل کرده است. گرچه سرمایه‌داران بر آنند که از طرح مطالبات کارگران و مبارزه علیه سرمایه‌داری در این روز جلوگیری کنند.

شاید برخی از اعضای سندیکای شرکت واحد بر این نظر باشند که محکوم کردن احکام صادره در مورد فعالین کارگری به مبارزات کارگران شرکت واحد جنبه‌ی سیاسی می‌دهد. در حالی که اگر آنان به مبارزه برای رسیدن به مطالبات خود و از آن جمله ایجاد سندیکای شرکت واحد نظر افکنند، خواهند دید که این مبارزات صرفاً اقتصادی نبوده بلکه اقتصادی-سیاسی بوده است. تجمع کارگران در پایانه‌ی آزادی، تحصن کارگران در غذاخوری تعمیرگاه شماره‌ی ۱ و نمونه‌هایی از این دست همه و همه نشانگر مبارزات اقتصادی-سیاسی شرکت واحد است.

اشتباه است اگر اعضای سندیکای شرکت واحد بر این باور باشند که اگر از مبارزات کارگران فولاد اهواز یا کارگران کوره‌پزخانه حمایت کنند، و یا از کارگران دیگر بخش‌های تولیدی بخواهند که از مبارزه‌ی کارگران شرکت واحد در جهت ایجاد تشکل کارگری (سندیکا) خود اعلام همبستگی کنند، به مبارزات‌شان جنبه‌ی سیاسی داده‌اند، و یا به آنان در رسیدن به اهدافشان ضربه خواهد زد چرا که مبارزات شرکت واحد از حوزه‌ی شرکت واحد فراتر می‌رود. سندیکای شرکت واحد باید بداند که چه خواهد و چه نخواهد مبارزات کارگری به هم گره خورده است. و مبارزات یک بخش بر مبارزات بخش‌های دیگر تاثیر می‌گذارد. حتی مبارزات شرکت واحد یکی از اخبار داغ جنبش اجتماعی طبقه در سطح جهان است. و هر گاه شرکت واحد خواستی را مطرح می‌کند و برای رسیدن به آن دست به کار مبارزه می‌شود، خبرگزاری‌های بزرگ جهانی گوش به زنگ می‌شوند تا خبر آن را به گوش جهانیان برسانند.

مبارزه‌ی طبقه‌ی کارگر ذاتاً اقتصادی-سیاسی است. اما سندیکای شرکت واحد همیشه در صدد است جنبه‌ی سیاسی آن را کتمان کند.

سندیکای شرکت واحد به جای کتمان جنبه‌ی سیاسی مبارزاتش می‌بایستی به تجزیه تحلیل روند مبارزاتش بپردازد تا برای گام‌های بعدی مبارزه متشکل‌تر و آگاه‌تر گام بردارد.

کارگران شرکت واحد تافته‌ی جدا بافته از جنبش اجتماعی طبقه‌ی کارگر نیستند و نمی‌توانند بدون همبستگی با دیگر کارگران به خواست‌های خود برسند. همان‌طور که در گزارش هیئت مدیره سندیکا آمده

است، به نظر می‌رسد عوامل سرمایه در شرکت واحد می‌خواهند با وعده و وعید و وقت‌کشی از دادن مطالبات کارگران خودداری کنند، و با تضعیف روحیه‌ی همبستگی کارگران، آنان را از مبارزه برای ایجاد تشکل کارگری باز دارند. ویا آنان را وادار به پذیرش سندی‌کایی گوش به فرمان سرمایه کنند. اما، در مقابل توطئه‌های رنگارنگ مسئولین شرکت واحد و بی‌توجهی به مطالبات کارگران شرکت واحد، گزارش هیئت مدیره اعتصاب را در آینده‌ی نزدیک نوید داده‌است. کارگران شرکت واحد با بررسی فعالیت این دوره سندی‌کای شرکت واحد و توجه به نقاط ضعف و قوت آن و نظرخواهی از اعضای شرکت واحد می‌توانند راهکارهایی مناسب در برخورد با عوامل سرمایه اتخاذ کنند. همچنین با دسته‌بندی خواست‌ها و مطالبات کارگری و در اولویت قرار دادن خواست‌هایی که مورد توجه اکثریت کارگران است و با اتکا به نیروی کارگران با هجوم سرمایه به دست‌آوردهای کارگران مقابله کنند، و به ویژه برای گرفتن دیگر مطالبات خود از همه کارگران بخواهند که آنان را در مبارزه علیه سرمایه حمایت کنند.

من ضمن حمایت از مطالبات کارگران شرکت واحد، بر این باورم که ایجاد تشکل کارگری یکی از حقوق اولیه است که کارگران از بدو ایجاد نظام سرمایه‌داری کارگران برای آن مبارزه کرده‌اند. و استفاده از این حق، عملی نمی‌شود جز به نیروی خود کارگران. و از آنجایی که کارگران جز تعداد انبوه خود نیرویی ندارند، تنها راه دستیابی کارگران شرکت واحد به مطالباتشان حمایت از کارگران بخش‌های دیگر و بدین وسیله جلب حمایت آنان از خود است.

بهرام دزکی
۸۴/۹/۱۷